

خوانشی فلسفی از تأثیر ماده بر نفس در روایات کافی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۳

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۹/۱۱

مهديه اکرمی فر*

چکیده

در اندیشه ی صدرایی میزان بهره مندی نفس از کشف و شهود، رابطه ی مستقیمی با تجرد نفس از ماده دارد و هر قدر نفس خود را از تعلق مادی برهاند حقایق، آسانتر بر او مکشوف خواهد شد و هرگاه نفس به امری خارج از ذات خویش مشغول گردد همت او به مدرک اعلا نرسیده و از لذت روحانی بی خیر خواهد ماند لذا شناخت آثار مادیات بر نفس با توجه به مبانی فلسفی در حکمت متعالیه و روایات ائمه معصومین علیهم السلام می تواند در افزایش همت آدمی در قطع تعلق نفس به مادیات و نحوه ی مواجهه با امور مادی، مؤثر واقع گردد و با آگاهی و فهم عمیق، عوامل و موانعی را که در مسیر تکامل خویش با آن مواجه است بازشناسی نموده و از گرفتاری در آنها خود را باز دارد. در نگاه فلسفی ملاصدرا در اثر تعلق به دنیا یک نوع ویژه ای از حرکات فکری در نفس حاصل می گردد که از جمله اینها می توان به زیاده روی، کوتاهی، کجروی، آشفتگی، سرگشتگی و شتاب اشاره نمود و در مقابل آن تعلق به امور دین و آخرت منجر به ایجاد اطمینان و آرامش و استواری و پایداری در نفس می گردد و تأثیرپذیری نفس از امور دنیائی تا زمانی که در نفس به واسطه ی امور ارادی مانند ریاضت و یا امور غیر ارادی مانند خواب یا بیماری و عدم توجه به امور ظاهری، انقطاع از دنیا حاصل نشود ادامه خواهد داشت. در این مقاله که به روش توصیفی تحلیلی می باشد به خوانشی فلسفی در اندیشه ی صدرایی از این تأثیرات پرداخته شده است.

واژه های کلیدی: تأثیر مادیات، نفس آدمی، حکمت متعالیه، تکامل، دنیا.

* دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام.

مقدمه

در عصری که در آن زندگی می‌کنیم توجه به امور مادی و ماده‌گرایی رو به فزونی رفته است و این امر موجب بسیاری از مشکلات و ناگواریها در حیات بشری گردیده است.

بدین لحاظ که نحوه‌ی نگرش انسان و تلقی او از مادیات و امور ظاهری منجر به ایدئولوژی‌های متفاوتی برای بشر گردیده و با تأثیرگذاری در نوع جهان بینی، سبک زندگی‌های متمایزی را برایشان رقم زده است.

بنابراین نحوه‌ی مواجهه با امور مادی که در مرحله‌ی آغازین، توسط حواس ظاهری ادراک می‌گردند منوط به کسب نمودن آگاهی در ارتباط با چگونگی مواجهه‌ی صحیح با این امور می‌باشد.

یکی از راههای کسب این آگاهی آن است که با توجه به مبانی مهم در حکمت متعالیه به تأثیر گذاری این امور بر نفس و شرایطی که منجر به تمایز انحاء این آثار می‌باشد یقین حاصل نموده و تفصیل انواع این آثار را در کلام ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام بررسی نمائیم و با آشنایی بیشتر با این آثار، عوامل و موانعی را که در مسیر تکامل خویش با آنها مواجه هستیم را شناسایی نموده و با شناخت این عوامل، موجبات قرار گرفتن نفس در مسیر تعالی و انقطاع از نشئه‌ی دنیا و ورود به نشئات برتر را فراهم آوریم.

با تأمل و بررسی روایات کافی در ارتباط با تأثیر مادیات بر نفس در دسته‌ای از روایات، از مادیات با عنوان دنیا یاد گردیده و از آثاری که در اثر نوع مواجهه‌ی انسان با آن بر نفس حاصل می‌شود پرده برداشته است در این مقاله ابتدا به بیان این آثار پرداخته

شده و سپس دیدگاه صدر المتألهین در حکمت متعالیه را در ارتباط با این موضوع بررسی می‌شود.

مفهوم دنیا

دنیا که مرحله‌ی نازل هستی و نماد نازلترین مراتب وجود است پدیده‌ی شگفتی است که تا از منظر حق و بصیرت نگاه نشود تقابل و تعامل با آن غیر ممکن و چه بسا موجب خسران جان و ویرانی تن می‌گردد.

دنیا در لغت: دنیا مؤنث ادنی است که یا از ماده‌ی دنی و دنائت به معنای پست تر است یا از ریشه‌ی دنوبه معنای نزدیکتر است. (فارس بن زکریا، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۰۳).

از نظر ملاصدرا دنیا نشئه‌ی حسیه است که مظهر آن حواس پنجگانه‌ی ظاهری است و به دلیل دنو و تقدم آن بر دو نشئه‌ی دیگر (مثالیه و عقلیه) دنیا نامیده می‌شود. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۱، ص ۴۰۴)

لذا دنیا را از این جهت که نسبت به آخرت، پست تر و ناچیز تر است یا برای آنکه نسبت به آخرت به ما نزدیکتر است دنیا می‌نامند .

دنیا در روایات به دو معنا به کار برده شده است:

۱- نشئه‌ی طبیعت: آسمان، زمین، دریا، صحرا و... است که آیات الهی می‌باشند.

۲- هر آنچه انسان را از خدا دور و غافل می‌کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۱۵)

بر این اساس با توجه به نحوه‌ی نگرش ما به جهان هستی، با دو تعریف از دنیا مواجه هستیم. دنیای ممدوح؛ دنیایی که به عنوان مخلوق و نعمت و آیت حق تعالی در نظر گرفته شود و دنیای مذموم؛ دنیایی که بدون توجه به موهبتی از جانب حق بودن و همراه با نوعی غفلت از نگاه توحیدی در نظر گرفته شود.

با توجه به مغایرت این دو نگاه، نوع تأثیر پذیری نفس و نحوه‌ی مواجهه و عملکرد انسان نیز متفاوت خواهد شد.

اگر آدمی به جهان هستی و آنچه در اطراف اوست با رویکرد خدامحوری مواجه شود منجر به اثراتی مفید و مثبت بر نفس انسان می‌گردد در غیر این صورت رویکردی که موجب غفلت از خدا باشد منجر به آثار سوء و منفی بر نفس انسان خواهد شد که به نمونه‌هایی از این آثار که در روایات کافی بیان شده اشاره می‌گردد.

آثار توجه و دل‌بستگی و علاقه به دنیای مذموم

طولانی شدن آرزوها و سخت شدن دل

یکی از آثار دل‌بستگی به دنیا طولانی شدن آرزوها می‌باشد. آرزوها در درون انسان واقعیتهایی از واقعیات موجود در دل می‌باشند و هر یک از آنها زنجیری است از زنجیرهای اسارت که موجب اسارت دل می‌شود و حجابی است که دل را محجوب می‌گرداند. (شجاعی، ۱۳۹۲، ص ۲۱۰)

از اثرهایی که طولانی بودن آرزوها بر نفس آدمی می‌گذارد آن است که موجب سخت شدن دل و دوری از خداوند متعال و فراموشی آخرت می‌گردد.

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ عَثْمَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عِيسَى رَفَعَهُ قَالَ فِيْمَا نَاجَى اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا مُوسَى لَا تُطَوَّلْ فِي الدُّنْيَا أُمَّلَكَ فَيُقْسُو قَلْبُكَ وَ الْقَاسِي الْقَلْبِ مِنِّي بَعِيدٌ.

علی بن عیسی روایت کند که امام فرمود: در آن چه خدای (عزوجل) با موسی علیه السلام مناجات کرد این بود که: ای موسی در دنیا آرزوی خود را دراز مکن که دلت سخت گردد و سخت دل از من دور است. (کلینی رازی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۲۶۶)

علامه مجلسی (ره) گوید: درازی آرزو این است که انسان مرگ را فراموش کند و دور پندارد، و گمان کند که عمرش دراز باشد یا آرزوهای بسیاری که جز در طول عمر

به دست نیاید و این مایه‌ی سخت شدن دل است یعنی نترسیدن و نداشتن هراس از ترسناکی‌ها و نپذیرفتن پندهای سودمند، چنان که یاد مرگ، دل انسان را نرم و هنگام تذکر خدا و مرگ، ترسناک کند. (کلینی رازی، مجلسی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۶۶۱)

آرزوها با اشتغال‌ها و گرفتاریهای متنوعی که دائم برای انسان پیش می‌آورند مانع از ذکر، فکر، عبادت و اعمال خیر دیگر می‌شوند لذا برای عروج به عوالم عالیه و حرکت به سوی حق بریدن از آرزوها و برداشتن زنجیرهای اسارت امری لازم و ضروری است. (شجاعی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۲۱۰)

ترجیح دلخواه خود به امر خدا و ابتلا به پریشانی

از دیگر آثار دل‌بستگی به دنیا آن است که انسان، خواهش‌های نفس خود را به اوامر الهی ترجیح می‌دهد و از آثار ترجیح دادن خواسته‌های خود به اوامر الهی بر نفس این است که دل او به دنیا مشغول گشته و از دنیا جز به اندازه‌ی مقداری معلوم نخواهد رسید و به پریشانی مبتلا خواهد شد.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ عَزَّتِي وَ جَلَالِي وَ عَظَمَتِي وَ كِبْرِيَائِي وَ نُورِي وَ عَلْوِي وَ اِزْتِفَاعِ مَكَانِي لَا يُؤْتِرُ عَبْدٌ هَوَاهُ عَلَى هَوَاهُ إِلَّا شَتَّتْ عَلَيْهِ أَمْرَهُ وَ لَبَسَتْ عَلَيْهِ دُنْيَاهُ وَ شَعَلَتْ قَلْبَهُ بِهَا وَ لَمْ أُوتِهِ مِنْهَا إِلَّا مَا قَدَّرْتُ لَهُ وَ عَزَّتِي وَ جَلَالِي وَ عَظَمَتِي وَ نُورِي وَ عَلْوِي وَ اِزْتِفَاعِ مَكَانِي لَا يُؤْتِرُ عَبْدٌ هَوَاهُ إِلَّا اسْتَحْفَظْتُهُ مَلَائِكَتِي وَ كَفَلْتُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ رِزْقَهُ وَ كُنْتُ لَهُ مِنْ وَرَاءِ تِجَارَةِ كُلِّ تَاجِرٍ وَ أَتَتْهُ الدُّنْيَا وَ هِيَ رَاغِمَةٌ.

از امام باقر ع روایت شده که خدای (عزوجل) فرماید: سوگند به عزت و جلال خودم و بزرگی و کبریائیم و نور و برتری مقامم که هیچ بنده‌ای دلخواه خود را بر دلخواه من مقدم ندارد جز این که کارش را پریشان کنم و دنیایش را درهم سازم و دلش را به او مشغول کنم و از دنیا بر او ندهم جز آن چه برایش مقدر کرده‌ام و سوگند به عزت و جلال و بزرگی و نور و برتری و بلندی مقامم که هیچ بنده‌ای دلخواه مرا بر

دلخواه خود مقدم ندارد جز آن که فرشتگان من او را نگهبانی کنند و آسمان‌ها و زمین‌ها روزی او را متکفل گردند (و به عهده گیرند) و از پس تجارت هر تاجری پشتیبان و نگران او باشم، و دنیا هم در حالی که نخواهد به جانب او رو کند. (کلینی رازی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۲۸۰)

پیروی هوای نفس و باز ماندن از حق

از دیگر آثار دل‌بستگی به دنیا پیروی از هوای نفس است و پیروی از هوای نفس منجر به باز ماندن از حق خواهد شد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام إِنَّمَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اثْنَتَيْنِ اتِّبَاعَ الْهَوَىٰ وَ طُولَ الْأَمَلِ أَمَّا اتِّبَاعَ الْهَوَىٰ فَإِنَّهُ يَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَ أَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ.

امیرالمؤمنین عليه السلام فرمود: جز این نیست که من بر شما از دو چیز می‌ترسم: پیروی هوای نفس، و درازی آرزو، اما پیروی هوا پس همانا که از حق، باز می‌دارد و اما درازی آرزو، آخرت را فراموش سازد. (همان، ص ۲۹۸)

سخن گفتن در جهت جلب منافع مادی و نفاق

از دیگر آثار دل‌بستگی به دنیا، سخن گفتن برای جلب منافع مادی، حقیقت پوشی و حق کشی است که نفاق و به دنبال آن آتش و عذاب الهی را به همراه خواهد داشت.

أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ مَنْ لَقِيَ الْمُسْلِمِينَ بَوَّجْهِينَ وَ لِسَانَيْنِ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَهُ لِسَانَانِ مِنْ نَارٍ.

حضرت صادق عليه السلام فرمود: هر که با مسلمانان به دور و دوزبان برخورد کند، روز قیامت بیاید در حالی که برای او دوزبان از آتش باشد. (همان)

علامه مجلسی در شرح این روایت گوید: مقصود کسانی هستند که برای جلب نفع دنیوی نزد هر کسی مطابق تمایلات او سخن گویند و به اصطلاح معروف نان را

به نرخ روز خورند و این کار باعث حقیقت پوشی‌ها و حق‌کشی‌های زیادی گردد و این عین نفاق است. (کلینی رازی، مجلسی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۶۶۹)

حریص شدن بر دنیا و هلاکت و باز ماندن از آخرت

از آثار دیگر دلبستگی به دنیا حریص شدن به دنیا می‌باشد که منجر به هلاکت و باز ماندن از آخرت می‌شود.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام كَمْ مِنْ طَالِبٍ لِلدُّنْيَا لَمْ يُدْرِكْهَا وَ مُدْرِكٍ لَهَا قَدْ فَارَقَهَا فَلَا يَشْغَلُكَ طَلِبُهَا عَنْ عَمَلِكَ وَ التَّمَسُّهَا مِنْ مُعْطِيهَا وَ مَالِكِهَا فَكَمْ مِنْ حَرِيصٍ عَلَى الدُّنْيَا قَدْ صَرَعَتْهُ وَ اسْتَعْلَلَ بِمَا أَدْرَكَ مِنْهَا عَنْ طَلَبِ آخِرَتِهِ حَتَّىٰ فِي بِي عُمُرِهِ وَ أَدْرَكَهُ أَجَلُهُ وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الْمَسْجُونُ مَنْ سَجَّتْهُ دُنْيَاهُ عَنْ آخِرَتِهِ.

امام صادق عليه السلام فرمود: چه بسا جوینده‌ی دنیا که به آن نرسیده و (چه بسا کسانی که) به آن رسیده‌اند و از آن مفارقت کرده‌اند پس مبدا طلب دنیا تورا از کردارت باز دارد و دنیا را از بخشنده و مالکش (که خدا است) بخواه چه بسا حریص بر دنیا که دنیا او را به خاک افکنده و به آن چه از آن به دست آورده از آخرتش باز مانده تا این که عمرش سپری شده و مرگ در رسیده و فرمود: زندانی آن کسی است که دنیا او را از طلب آخرت به بند گرفتار کرده است. (کلینی رازی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۵۶۲)

دورویی و خوی خودنمایی

از آثار دیگر حریص بودن به دنیا بر نفس، ایجاد دورویی و خوی خودنمایی می‌باشد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله سَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ تَحْبُثُ فِيهِ سَرَائِرُهُمْ وَ تَحْسُنُ فِيهِ عَلَانِيَتُهُمْ طَمَعًا فِي الدُّنْيَا وَ لَا يَرِيدُونَ بِهِ مَا عِنْدَ اللَّهِ رَبِّهِمْ يَكُونُ دِينُهُمْ رِيَاءً لَا يَخَالِطُهُمْ خَوْفٌ يَعْظُمُهُمُ اللَّهُ مِنْهُ بِعِقَابٍ فَيَدْعُوهُ دُعَاءَ الْغَرِيقِ فَلَا يَسْتَجِيبُ لَهُمْ.

رسول خدا ﷺ فرمود: به زودی زمانی بر امتم گذرد که نهادشان بد باشد و ظاهرشان خوب برای طمع در دنیا و از مسلمانی خود، قصد ثواب خدا را ندارند که پروردگار آنها است. دین داری آنها صرف خودنمایی است ترسی در دل آنها نیست و خدا همه آنها را به کیفری دچار کند که مانند غریق در دریا به درگاه او دعا و زاری کنند و از آنها اجابت نکند. (کلینی رازی، ۱۳۵۰، ج ۲، ص ۱۳۷)

حرص بر دنیا موجب افراط در خوردن و آشامیدن و پرداختن به امور دنیوی شده و پر بودن معده و خواب زیاد و طولانی، موجب دوری انسان از خداوند متعال گشته و روح انسان از اقبال به سوی عوالم نور و قرب باز مانده و به سوی عالم ماده و طبیعت کشیده می شود در این حال، حجابها متراکم تر شده و قساوت قلب و انواع بیماریهای مهلک دل از جمله نفاق را به همراه خواهد داشت و در پایان منجر به هلاکت انسان خواهد شد. (شجاعی، ۱۳۹۲، صص ۱۷۸-۱۷۶)

توجه مفرط به دنیا و دور شدن از خدا و پریشانی

یکی از مصادیق توجه بیش از حد به دنیا توجه مفرط به شکم و فرج می باشد که با اثری که در نفس انسان ایجاد می کند موجب دور شدن بنده از خدا می گردد.

أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ أَبْعَدُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا لَمْ يَهْمَهُ إِلَّا بَطْنُهُ وَفَرْجُهُ.

امام صادق عليه السلام فرمود: دورترین حالی که بنده از خدای (عزوجل) دارد این است که اندوهی جز برای شکم و فرج نداشته باشد. (کلینی رازی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۲۴۰)

یکی دیگر از آثار توجه بیش از حد نیاز، به دنیا فقر و پریشانی است.

أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ مَنْ أَصْبَحَ وَأَمْسَى وَالدُّنْيَا أَكْبَرُ هَمِّهِ جَعَلَ اللَّهُ تَعَالَى الْفَقْرَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَشَتَّتْ أَمْرَهُ وَ لَمْ يَنْلُ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ وَ مَنْ أَصْبَحَ وَأَمْسَى وَ الْآخِرَةُ أَكْبَرُ هَمِّهِ جَعَلَ اللَّهُ الْغِنَى فِي قَلْبِهِ وَ جَمَعَ لَهُ أَمْرَهُ.

امام صادق علیه السلام فرمود: هر که بامداد کند و روز را به شب رساند و بزرگ ترین اندوهش دنیا باشد خدای تعالی فقر و پریشانی را جلوی چشمش نهد، و کارش را پریشان سازد و به جز به آن چه خداوند روزی او کرده نرسد و هر که بامداد کند و شام کند و بزرگ ترین اندوهش آخرت باشد، خداوند توانگری و بی نیازی در دلش نهد و کارش را منظم کند. (همان)

علامه مجلسی در شرح (خداوند پریشانی را جلوی چشمش نهد) گوید: زیرا هر چه از دنیا به دست او رسد به همان اندازه حرصش افزون گردد و نیازش زیاد شود یا به خاطر کمی توکل او بر خدا برخی از درهای روزی بر او بسته گردد، (و این که فرمود): خداوند توانگری در دلش نهد یعنی به وسیله توکل بر خدا و بیرون بردن حرص و دوستی دنیا از دلش، او را بی نیاز کند. (کلینی رازی، مجلسی، ج ۵، ص ۶۵۳).

ایجاد طمع در دل و خروج ایمان و هلاکت

از آثار دیگر توجه مفرط به دنیا طمع می باشد که طمع نیز موجب بیرون رفتن از ایمان و هلاکت می گردد.

سَعْدَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قُلْتُ لَهُ مَا الَّذِي يَثْبُتُ الْإِيمَانَ فِي الْعَبْدِ قَالَ الْوَرَعُ
وَ الَّذِي يَخْرِجُهُ مِنْهُ قَالَ الطَّمَعُ.

سعدان گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: چه چیزی ایمان را در بنده پایدار کند؟ فرمود: ورع و پارسایی (و پرسیدم) آن چه که او را از ایمان بیرون برد چیست؟ فرمود: طمع است. (کلینی رازی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۲۴۴).

اندوه پایان ناپذیر و ناامیدی

از آثار دیگر دل بستن به دنیا اندوهی همیشگی و آرزویی دست نیافتنی و در نتیجه ناامیدی می باشد.

أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ مَنْ تَعَلَّقَ قَلْبُهُ بِالدُّنْيَا تَعَلَّقَ قَلْبُهُ بِثَلَاثِ خِصَالٍ هُمْ لَا يَفْنَى وَ
أَمَلٍ لَا يَدْرِكُ وَ رَجَاءٍ لَا يَنَالُ.

امام صادق علیه السلام می فرمود: هر که دل به دنیا بست به سه خصلت، دل بسته است: اندوهی که پایان ندارد و آرزویی که به چنگ نیاید و امیدوی که به آن نرسد. (همان، ص ۲۴۲)

علامه مجلسی در شرح این روایت گوید: زیرا آن چه فراخور حرص او است برای او فراهم نگردد و از آفات و مصائب آن نتواند دوری کند پس همیشه در غم و اندوه آن چه از دستش رفته و آن چه برایش فراهم نگشته می باشد. (کلینی رازی، مجلسی، ص ۶۵۳)

شادی آمیخته با اندوه

یکی دیگر از آثار دنیای مذموم آن است که شادی و لذتش آمیخته با اندوه و سختی است و زودگذر و ناپایدار می باشد.

أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يوصي أصحابه و يَقُولُ
أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا غِبْطَةُ الطَّالِبِ الرَّاجِي وَ ثِقَةُ الْهَارِبِ اللَّاحِجِي وَ اسْتَشْعِرُوا
التَّقْوَى شِعَارًا بَاطِنًا وَ اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا خَالِصًا- تَحْيُوا بِهِ أَفْضَلَ الْحَيَاةِ وَ تَسْلُكُوا بِهِ
طَرِيقَ النَّجَاةِ- انظُرُوا فِي الدُّنْيَا نَظْرَ الزَّاهِدِ الْمُفَارِقِ لَهَا فَإِنَّهَا تُزِيلُ الشَّوَى السَّاكِنِ وَ
تَفْجَعُ الْمُتْرَفَ الْأَمِينَ- لَا يَرْجَى مِنْهَا مَا تَوَلَّى فَأَدْبَرَ وَ لَا يَدْرَى مَا هُوَ آتٍ مِنْهَا فَيَنْتَظِرَ
وُصَلَ الْبَلَاءُ مِنْهَا بِالرَّحَاءِ وَ الْبَقَاءُ مِنْهَا إِلَى فِتْنَةٍ فَسُرُورُهَا مَشُوبٌ بِالْحُزْنِ وَ الْبَقَاءُ فِيهَا
إِلَى الضَّعْفِ وَ الْوَهْنِ....

امام کاظم علیه السلام فرمود: شیوهی امیرالمؤمنین این بود که به یاران خود چنین سفارش می فرمود: در دنیا نگاه کنید چون نگاه زاهدی که از آن جدائی می نماید زیرا که دنیا خوش گذران آسوده نهاد را داغ دار می نماید آنچه از دنیا رو گردانید و پشت کرد و رفت امید برگشتی بدان نیست و کس نداند که آنچه از آن آید چیست تا انتظار آن را برند آسایش آن را

بلا در پی است و بقایش را نیستی و فنا، شادیش آمیخته به اندوه است و بقایش متمایل به ناتوانی و سستی است... (کلینی رازی، ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۲۴)

آلودگی زیاد به دنیا و افسوس زیاد هنگام جدایی از آن

اثر آلودگی زیاد به دنیا بر نفس، ایجاد حالت افسوس بیشتر هنگام جدایی از آن می‌باشد.

أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ كَثُرَ اشْتِيَاقُهُ بِالدُّنْيَا كَانَ أَشَدَّ لِحَسْرَتِهِ عِنْدَ فِرَاقِهَا.

امام صادق عليه السلام فرمود: هر که بیش تر به دنیا آلوده است هنگام جدایی از آن افسوسش شدیدتر است. (کلینی رازی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۲۴۲)

کلید رنج‌ها و ناامنی‌ها

یکی دیگر از آثار رغبت به دنیا بر نفس رنج‌هایی است که برای انسان ایجاد می‌شود.

... وَالرَّغْبَةُ مِفْتَاحُ التَّعَبِ وَالْإِحْتِكَارُ مَطِيئَةُ النَّصَبِ وَالْحَسَدُ آفَةُ الدِّينِ وَالْحِرْصُ دَاعِ ابْتِطَاعِ حَائِبٍ وَ أَمَلٍ كَاذِبٍ وَ رَجَاءٍ يُوَدِّي إِلَى الْجَزْمَانِ وَ تِجَارَةٌ تُتَوَلَّى إِلَى الْخُسْرَانِ ...

امام باقر عليه السلام: ... رغبت به دنیا کلید رنج است و جمع مال دنیا مرکب ناراحتی است و آزمندی سبب افتادن در پرتگاه گناهان که مایه حرمان است و شیفته بودن به دنیا بنگاه هر عیب است بسا طمعی که نومید گردد و آرزویی که بر باد رود و دروغ درآید و امیدی که به نومیدی گراید و تجارتي که به زیان کشد. (کلینی رازی، ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۲۷)

عدم ادراک لذت مناجات با خداوند متعال

دنیا طلبی هیچ گاه با یاد حق تعالی جمع نمی‌شود و تنها مانع یاد حق، دنیا طلبی است.

بنابراین کسی که حب دنیا در دل دارد دنیا طلب خواهد شد و کمتر اثری که شامل حالش می شود این است که دیگر شیرینی مناجات با حق تعالی را ادراک نخواهد کرد. (جوادی آملی، ۱۳۸۷، صص ۱۰۹-۱۰۸)

أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِذَا رَأَيْتُمُ الْعَالِمَ مُحِبًّا لِدُنْيَاهُ فَاتَّهَمُوهُ عَلَيَّ دِينِكُمْ فَإِنَّ كُلَّ مُحِبِّ لِسَيِّئٍ يَحُوطُ مَا أَحَبَّ وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا تَجْعَلْ بَيْنِي وَبَيْنَكَ عَالِمًا مَقْتُونًا بِالدُّنْيَا فَيُضِدَّكَ عَنْ طَرِيقِ مَحَبَّتِي فَإِنَّ أَوْلِيكَ قُطَاعُ طَرِيقِ عِبَادِي الْمُرِيدِينَ إِنَّ أَدْنَى مَا أَنَا صَانِعٌ بِهِمْ أَنْ أَنْزِعَ حَلَاوَةَ مُنَاجَاتِي عَنْ قُلُوبِهِمْ.

امام صادق عليه السلام فرمود: چون عالم را دنیا دوست دیدید او را نسبت به دینتان متهم دانید (بدانید دینداریش حقیقی نیست) زیرا دوست هر چیزی گرد محبوبش می گردد و فرمود: خدا به داود وحی فرمود که میان من و خودت عالم فریفته‌ی دنیا را واسطه قرار مده که تو را از راه دوستیم بگرداند زیرا که ایشان راهزنان بندگان جویای من هستند همانا کم تر کاری که با ایشان کنم این است که شیرینی مناجات مرا از دلشان بر کنم. (کلینی رازی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۳۵-۱۳۲)

ابتلا به نافرمانی خداوند متعال

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ أَوْلَ مَا عَصَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ سِتُّ حُبِّ الدُّنْيَا وَحُبِّ الرَّئَاسَةِ وَحُبِّ الطَّعَامِ وَحُبِّ النَّوْمِ وَحُبِّ الرَّاحَةِ وَحُبِّ النَّسَاءِ.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: سر آغاز نافرمانی خدای (عزوجل) شش چیز است ۱- دوستی دنیا ۲- دوستی ریاست ۳- دوستی خوراک ۴- دوستی خواب ۵- دوستی استراحت ۶- دوستی زنان. (کلینی رازی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۱۶۶)

درواقع حضرت با این بیان دنیای مذموم را به ما معرفی فرموده‌اند دنیایی که دوستی آن سرمنشأ همه‌ی خطاهاست و منجر به نافرمانی و دور شدن از خدای متعال می گردد و انسان را از مقصد اصلی خویش دور می نماید.

تأثیر مادیات بر نفس در حکمت متعالیه

باتوجه به اینکه ملاصدرا نیز در تعریف خود از دنیا و در برخی منابع خود از مادیات به عنوان اموری حسی که با حواس ظاهری قابل ادراک است یاد نموده است در این مقاله که مادیات از منظر روایات و همچنین در حکمت متعالیه مد نظر است منظور از مادیات، جسمانیات و اموری است که با حواس ظاهری قابل ادراک می‌باشند.

لذا با در نظر گرفتن مبانی حکمت متعالیه نیز با توجه به نوع مواجهه‌ی انسان با مادیات در نشئه‌ی دنیا با دو دسته آثار متضاد مواجه خواهیم بود دسته‌ای که منجر به تقویت استکمال نفس شده و دسته‌ای که موجب تضعیف جریان استکمال نفس می‌گردد.

دسته‌ی اول که منجر به تقویت استکمال نفس می‌گردد براساس نگرشی است که بر مبنای آیت بینی صورت پذیرد که این نگرش و آثار حاصل از آن با توجه به رابطه‌ی کثرات با وجود صمدی و حرکت حبی قابل توجیه می‌باشد.

رابطه کثرات با وجود صمدی

کثرات مظهر اسماء الله

هیچ موجودی به عبث خلق نشده و هیچ کلمه‌ای در نظام هستی گزاره نیست و همه‌ی کثرات به وجود پیوند می‌خورند و دارای احکام خاصی می‌شوند (صدرالدین شیرازی، حسن زاده آملی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۵۱۵) هر شیئی ملکوتی دارد و هر شهادت و ظهوری غیب و باطنی مستور دارد و هر چیزی در این عالم وجود دارد دارای نفس و عقل و اسمی الهی است و آیات ۴۴ اسراء و ۸۳ یس مؤید این مطلب می‌باشند. (صدرالدین شیرازی، بابائی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۱)

بنابراین شناخت وجود صمدی با در نظر گرفتن کثرات است چون کثرات، مظاهر اسماء الهی هستند و نسبت بین کثرات و وجود صمدی نسبت اصل و فرع و شأن و ذی شأن است و همه متکی به این حقیقت و دارای حدی خاص هستند و همین حد و مرتبه باعث وجود اوصاف آنها گردیده است پس اختلاف کلمات الهی (خورشید، زمین و امثال آنها) از حدود خاص و مرتب‌ی خاص آنهاست. (صدرالدین شیرازی، حسن زاده آملی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۵۱۳)

لذا نگاه آیت بینی به کثرات منجر به حصول نوعی معرفت به وجود صمدی خواهد گشت که این معرفت باعث تقویت استکمال نفس می‌گردد.

کثرات و حرکت حبی

از طرف دیگر با توجه به این که هرکس به دیگری عشق بورزد هر چیزی اعم از آثار و لوازم و کتاب و صنایع و هم‌نشینان و رسولان و... که منسوب به معشوق است را نیز از حیث منسوب بودنش دوست دارد و با در نظر گرفتن حرکت حبی که بین مخلوقات و خالق هستی برقرار است بدین شرح که وجود فی نفسه‌ی موجودهای افاضه شده از حق، بدون اختلاف، نفس وجود افاضه شده‌ی ایشان از حق است پس همه‌ی موجودات محبوب باری تعالی هستند منتهی در درجات متفاوت و به نسبت نزدیکی و دوری که از زیبایی تام و جلال خداوند متعال دارند و باری تعالی که به ذات خود در احسن حال قرار دارد نسبت به دیگران نیز از حیث ذات خود، محبتی دارد که غیر متناهی است. (صدرالدین شیرازی، بابائی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۵)

نگاهی که با توجه به این حرکت حبی صورت گیرد منجر به ادراک این محبوبیت خواهد شد و نتیجه‌ی این نگاه که همراه با محبتی خاص به مخلوقات و خالق یکتا صورت گرفته نتیجه‌ای جز اطاعت از خالق هستی و به کارگیری مخلوقات در جهت رضای خالق نخواهد داشت.

در نگاه آیت بینی هر یک از موجودات به تنهائی آیت حق و نشانه‌ی خداوند غنی و مطلق هستند و هیچ موجودی آیت و نشانه‌ی علت قبلی نیست بلکه هر موجودی مستقیماً آیت حق است و این بر مبنای آن است که وجود رابط به لحاظ واقع در وصول به مستقل، واسطه‌ی در ثبوت نمی‌تواند داشته باشد. (صدرالدین شیرازی، جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۴)

بنابراین اگر انسان هر چیز را با اسباب و عللش درک نماید خواهد دید که همه‌ی اشیاء در نظرش نیکو و ملائم است و در هر جزء از اجزاء وجود چه جوهر و چه عرض، مجرد و مادی، فلکی و عنصری، بسیط یا مرکب، جماد یا نبات و حیوان آن قدر از عجایب هست که حکمت و قدرت و جلال و عظمت باری تعالی از آن ظاهر می‌گردد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۱، ص ۲۴۵) به عبارتی دیگر اگر انسان به هر یک از موجودات به عنوان مظهري از مظاهر جمال و جلال حق نظر کند به اندازه‌ی ظرف وجودی خویش به حقایق نائل گشته و اسراری از ربوبیت را می‌یابد. (شجاعی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۱۴۷)

اما اگر نحوه‌ی نگرش انسان به دنیا با در نظر گرفتن وجود رابط و آیت بینی و حرکت حبی در جهان آفرینش نباشد منجر به تعلق خاطر به دنیا می‌گردد و دسته دوم آثار که مترتب بر این نوع نگرش است برای انسان حاصل می‌گردد. از آنجایی که این آثار منجر به تضعیف جریان استکمال نفس می‌گردد مادیات با تعبیر دنیای مذموم در نظر گرفته می‌شود.

اشتغال به دنیای مذموم باعث محبت و دوستی به آن می‌شود و این سبب می‌گردد که تمام همت آدمی صرف آن شود و محبت دنیا تمام فضای دل را پر نموده و دیگر آینه‌ی دل شفاف و صاف نمی‌ماند تا جمال زیبای خداوند در آن منعکس شود و معرفت حاصل گردد.

از طرفی دیگر اشتغال و سرگرمی به امور دنیوی موجب فراموش نمودن خود و غفلت از ماورای طبیعت می‌گردد و رفتن به سوی باطن با اعراض و دوری جستن از ظاهر و روی آوردن به ماورای آن به دست می‌آید. (طباطبائی، ۱۳۹۸، ص ۱۶۳)

همچنین، موجب اعراض از حق می‌گردد و علوم را از نفوس می‌زداید زیرا نفوس چون آینه‌ای است که به هر چه روی آورد در آن پدیدار می‌گردد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۱، ص ۳۷۶)

از نگاه ملاصدرا در اثر تعلق به دنیا یک نوع ویژه‌ای از حرکات فکری در نفس حاصل می‌گردد که از جمله اینها می‌توان به زیاده روی، کوتاهی، کجروی، آشفتگی، سرگشتگی و شتاب اشاره نمود. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۶۶)

در مقابل آن تعلق به امور دین و آخرت منجر به ایجاد اطمینان و آرامش و استواری و پایداری در نفس می‌گردد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۸۳)

بنابراین نگاه، همه‌ی امور دنیا نابود شونده‌اند و وجودشان آفات زیادی دارد و غرض از آنها تنها توشه چینی آخرت و انس با اهل آخرت است که آن هم با شهادت حاصل می‌شود. (صدرالدین شیرازی، بابائی، ص ۳۸۰)

برای آنکه متوجه شویم که چگونه حرکات فکری در نفس به واسطه‌ی تعلقات انسان به دنیا صورت می‌گیرد لازم است به نحوه‌ی تأثیر پذیری نفس از اسباب پرداخته شود.

نحوه تأثیر پذیری از اسباب

هنگامی که قلب به واسطه‌ی حواس چیزهای را درک نماید اثری از آن در قلب حاصل می‌گردد اگر از احساس باز ایستد خیالات حاصله در نفس باقی می‌ماند و متخیله از خیالی به خیال دیگر منتقل می‌گردد و به حسب آن انتقال، باطن انسان از

حالی به حال دیگر منقلب می‌شود پس باطن انسان همیشه به اعتبار این اسباب در تغییر است. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۱، ص ۲۳۶)

بنابراین قلب از آثار اسباب خارجی و داخلی پیوسته در دگرگونی و اثرپذیری است و کوچکترین اثری که در قلب حاصل می‌شود خواطر است و خواطر، ادراکات و علمی است که یا به نحو تجدد و نو شدن است و یا به صورت تذکر و یادآوری است چون آنها بعد از آنکه قلب، بی‌خبر از آنها بود به ذهن خطور می‌کند پس خواطر حرکت دهنده‌ی اراده و شوق و برانگیزنده‌ی قوا و نیروهای حرکت دهنده‌ی اعضای بدن هستند و به واسطه آنها در خارج، افعال ظهور می‌یابد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۸۲)

خواطری که اراده و عزم‌ها را به حرکت در می‌آورند دو دسته می‌باشند یکی خاطر نیکو یا الهام که به سوی خیر می‌خواند یعنی آنچه در آخرت سودآور است دیگری خاطر زشت یا وسواس که به سوی بدی و شر می‌خواند یعنی آنچه در پایان کار زیان آور می‌شود.

این خواطر حادث هستند و نیازمند سبب می‌باشند چون مختلف هستند اسباب مختلف دارند پس روشنی قلب و تاریکی اش دو سبب مختلف دارد سبب خاطر نیکو، فرشته نامیده می‌شود و سبب خاطر شر، شیطان است و آن چیزی که به وسیله آن قلب، آماده پذیرش وسوسه شیطان می‌شود گمراهی و بی‌بهره‌گیری و درماندگی است و آن لطفی که به وسیله‌ی آن قلب آماده‌ی پذیرش الهام فرشته می‌شود توفیق است. (همان، ص ۱۸۳)

وقتی ذکر دنیا و شهوات بر نفس غالب گردد شیطان مجال وسوسه خواهد کرد و هنگامی که نفس میل به ذکر خدا می‌کند شیطان از او دور می‌شود و مجالی برای جولان نمی‌یابد بنابراین نفس به حسب وجود هیولانی قابل ارتباط و اتحاد با ملک و

شیطان است و در معرکه‌ی نفس انسانی همیشه تنازع بین ملک و شیطان برپاست تا آن که یکی بر مملکت نفس غالب گردد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۱، ص ۲۳۹)

بنابراین در روایاتی که از آثار انجام برخی افعال نیک به نزول فرشتگان اشاره گردیده در واقع نشانه‌ی افزایش توفیقات فاعل و نگرش صحیح او به دنیا و تعلق خاطرش به امور اخروی می‌باشد و آن جایی که به حضور شیاطین اشاره شده نشانه‌ی وقوع گمراهی و در ماندگی برای فاعل اعمال نادرست و دلبستگی او به دنیا است.

تکامل انسان با وارستگی از امور مادی

نکته‌ی حائز اهمیت آنکه تکامل در جنبه‌های انسانی این است که در نهایت درجه هر چه جلوتر برود وارستگی بشر از شرایط مادی بیشتر شده و کمتر تحت تأثیر امور مادی قرار گیرد. (مطهری، ۱۳۸۸، ص ۲۵۳)

زیرا تا زمانی که نفس در مرتبه حسی است مدرکاتش نیز امر محسوس است و زمانیکه در مرتبه تخیل و وهم است مدرکاتش نیز امر موهوم است از این رو مادام که قوه عاقله اش به بدن تعلق دارد از احوال و آثار آن تأثیر می‌پذیرد و معقول هایش نیز معقول‌های بالقوه خواهند بود. (صدرالدین شیرازی، بابائی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۳)

لذا تمامی تأثیر پذیری‌هایی که از امور مادی برای نفس حاصل می‌گردد مربوط به نشئه‌ی دنیا می‌باشد و تا زمانی که نفس از نشئه‌ی دنیا فاصله نگیرد این تأثرات ادامه خواهد داشت اما زمانی که نفس حتی به اندازه‌ی مدت کوتاهی از این نشئه انقطاع حاصل نمود به اندازه‌ی شدت انقطاع، تأثیر پذیری نیز ضعیف خواهد شد.

به همین خاطر ما که از او دور افتاده و برای رفع نیازها مهجور مانده و به تدبیر طبیعت بدن مشغول هستیم وقتی نا خود آگاه غنیمتی از نفحات الهی هر چند در مدتی کوتاه به ما روی می‌آورد بهجت و سعادت بی حد و وصف احساس می‌کنیم.

شاهد این مطلب آن است که بنا بر نظر ملاصدرا جواهر نفوس انسانی در اصل فطرت از سنخ ملکوت‌اند و برای آنها در این مرتبه چیزی از ملکوت کشف و آشکار می‌شود و باز دارنده‌ی آنها از این کشف، سرگرمی‌های حواس خارجی و افکار داخلی است و هنگامی که این سرگرم‌کننده‌ها برطرف گردد برای نفس، مکاشفه حاصل خواهد شد.

او به چهار عامل برطرف‌کننده‌ی این موانع مکاشفه اشاره می‌نماید:

۱- به واسطه‌ی فطرت چنانکه نفوس ساده این گونه‌اند؛

۲- به واسطه‌ی ریاضت و تمرین همان گونه که سالکان رفتار می‌کنند؛

۳- به واسطه‌ی خواب و مانند آن؛

۴- به واسطه‌ی بیماری و سراسیمگی (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۷۶).

چنانچه اندک تأملی در این چهار مورد شود متوجه خواهیم شد در همه‌ی این موارد یک نوع تعطیلی و از کار افتادن حواس ظاهر و فاصله گرفتن و انقطاع از امور مادی وجود دارد.

همچنین به این مطلب بسیار حائز اهمیت خواهیم رسید که برای صعود نفس از نشئه‌ی حواس ظاهری (دنیا) لازم نیست که موت اجباری برای انسان حاصل شود بلکه با توجه به این که موت، اعراض نفس از عالم حواس و نشئه‌ی محسوسات و اقبال به خدا و ملکوت اوست. (صدرالدین شیرازی، مصلح، ۱۳۷۵، ص ۳۹۷)

و خروج نفس از غبار و غواشی لازم ابدان و جلایب لازم عالم ماده است، صاحبان ولایت کلی که به وجود حقانی متلبس شده‌اند به واسطه‌ی قبول موت اختیاری بارها طعم مرگ را چشیده و با آن انس حاصل نموده‌اند و به واسطه‌ی تخریب عالم مادی ازلی در همین عالم از موت استقبال می‌نمایند. (صدرالدین شیرازی، آشتیانی، ۱۳۸۱، ص ۲۵۰)

لذا انقطاع از نشئه‌ی محسوسات برای صعود نفس به مراتب بالاتر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تا جایی که ملاصدرا رهایی از جسمانیات و شهوات نفسانی را مرحله‌ای اساسی و لازم برای ورود به عالم عقل و احاطه به معقولات می‌داند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۷۸)

بنابراین صعود به سوی پروردگار با پله‌ی معرفت نفس و بیداری از خواب طبیعت و رهایی از مرگ جهالت و خروج از تاریکی‌های هوس و کدورت این دنیای دانی می‌باشد که تحقق آن نوعی حرکت است که حرکت هم در زمان محقق می‌شود از این رو ترقی از نقطه‌ی پست نقصان به اوج کمال در مدتی از حیات دنیوی صورت می‌گیرد پس حفظ این حیات ضروری است زیرا این نشئه وسیله‌ای برای تحقق کمال است. (صدرالدین شیرازی، بابائی، ۱۳۸۷، ص ۳۸۲)

از آنجائی که حرکت، تکامل است و معنای تکامل این است که شیئی از مرحله‌ی نقصان به کمال رسد و در حرکت جوهری تکامل وجود طبیعی است که در هر آن، محفوظ است و حرکت او استکمالی است و فعل طبیعت بذات جز خیر و صلاح نیست و چون عالم طبیعت در حرکت و تغیر طولی استکمالی است و جمیع مادیات در صراط تجرداند. (صدرالدین شیرازی، حسن زاده آملی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۳۱-۲۴)

از امور دنیوی آنچه هم جهت با این روند تغیر طولی استکمالی است و زمینه‌ی کسب توشه‌ی آخرت را فراهم می‌آورد مانند نفوس و اموال و لوازم این دو که در مسیر حق مورد استفاده قرار گیرد توجه به آن امری ضروری و اجتناب ناپذیر است.

بنابراین با توجه به اختیاری که خداوند متعال به انسان موهبت فرموده است باید از تمامی امکانات و نعمات مشروع الهی برای ساختن و شکل دهی نفس در روندی دائمی به سوی تجرد بهره برد.

از طرفی دیگر شوق حرکت از قوه به فعل و رسیدن به لذات مراتب بالاتر وجود در طبیعت انسان به ودیعه نهاده شده و نفس، طی کسب و درک لذات وجودی همواره باید کنترل قوای خود در کسب ملائمت را به بالاترین مرتب‌ی وجود خود یعنی قوای عقلانی دهد در غیر این صورت به جای رسیدن به کمالات لایق مرتبه‌ی انسانی در لذات مرتبه‌ی حیوانی باقی خواهد ماند. اما مرتبه‌ی عالم مادی که نفس باید از آن گذر کند شامل هر دو ساحت کثرات جسمانی انسان و کثرات خارج از ذات اوست که شامل موجودات عالم طبیعت با همه‌ی لوازم و مقتضیات آن و امور وجودیه تکوینیه و امور اعتباریه است بنابراین درانسان شناسی ملاصدرا رفع حاجت انسانها و رسیدگی و تدبیر امور زندگی در واقع پیمودن منزلی از منازل روحانی نفس و سفر از بستری مادی به سوی تجرد است. (خلیل الرحمن طوسی، ۱۳۹۲، ص ۵۶-۵۷)

نتیجه گیری

به طور کلی تأثیر گذاری مادیات بر نفس به نحوه‌ی نگرش انسان و تلقی او از مادیات بر می‌گردد بدین نحو که اگر انسان در نگرش خود به مادیات پیرامونش آنها را جدای از علت العلل آنها در نظر بگیرد و مظهر و آیت واجب الوجود نیابد موجبات اثرات سوئی را بر نفس خویش فراهم آورده که در کتاب شریف کافی در ضمن برخی روایات که از مادیات با عنوان دنیا سخن به میان آمده به نحو تفصیل از این آثار سوء در حالات نفس پرده برداشته شده است از جمله این آثار می‌توان به دوستی دنیا و گرایش قلبی به آن، حریص شدن و توجه مفرط به دنیا، نفاق و دورویی، طمع و از دست دادن ایمان، فقر و هلاکت، پریشانی، اندوه و رنج دائمی و ناامیدی و دوری از خدا اشاره نمود.

در نگاه فلسفی ملاصدرا در اثر تعلق به دنیا یک نوع ویژه‌ای از حرکات فکری در نفس حاصل می‌گردد که از جمله اینها می‌توان به زیاده روی، کوتاهی، کجروی، آشفته‌گی، سرگشتگی و شتاب اشاره نمود و در مقابل آن تعلق به امور دین و آخرت منجر به ایجاد اطمینان و آرامش و استواری و پایداری در نفس می‌گردد و تأثیرپذیری نفس از امور دنیائی تا زمانی که در نفس به واسطه‌ی امور ارادی مانند ریاضت و یا امور غیرارادی مانند خواب یا بیماری و عدم توجه به امور ظاهری، انقطاع از دنیا حاصل نشود ادامه خواهد داشت.

لذا تمامی تأثیر پذیری‌هایی که از امور مادی برای نفس حاصل می‌گردد مربوط به نشئه‌ی دنیا می‌باشد و تا زمانی که نفس از نشئه‌ی دنیا فاصله نگیرد این تأثرات ادامه خواهد داشت اما زمانی که نفس حتی به اندازه‌ی مدت کوتاهی از این نشئه انقطاع حاصل نمود به اندازه‌ی شدت انقطاع، تأثیر پذیری نیز ضعیف خواهد شد.

لذا انقطاع از نشئه‌ی محسوسات برای صعود نفس به مراتب بالاتر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تا جایی که ملاصدرا رهایی از جسمانیات و شهوات نفسانی را مرحله‌ای اساسی و لازم برای ورود به عالم عقل و احاطه به معقولات می‌داند.

البته برای صعود نفس از نشئه‌ی حواس ظاهری (دنیا) لازم نیست که موت اجباری برای انسان حاصل شود بلکه با توجه به این که موت، اعراض نفس از عالم حواس و نشئه‌ی محسوسات و اقبال به خدا و ملکوت اوست در همین عالم دنیا نیز می‌توان با توجه به اختیاری که خداوند متعال به انسان موهبت فرموده است با استفاده از تمامی امکانات و نعمات مشروع الهی برای ساختن و شکل دهی نفس در روندی دائمی به سوی تجرد بهره برد.

بنابراین در انسان شناسی ملاصدرا رفع حاجت انسانها و رسیدگی و تدبیر امور زندگی در واقع پیمودن منزلی از منازل روحانی نفس و سفر از بستری مادی به سوی تجرد است.

فهرست منابع

۱. جوادی آملی، عبد الله (۱۳۸۷)، دنیا شناسی و دنیا گرایی در نهج البلاغه، قم: اسراء، چهارم.
۲. شجاعی، محمد (۱۳۹۲)، مقالات، تهران: سروش (انتشارات صدا و سیما)، دوازدهم، ج ۲.
۳. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۴)، شرح فارسی الاسفار الاربعه ملاصدرا، شرح حسن حسن زاده آملی، قم: مؤسسه بوستان کتاب، چهارم.
۴. _____، (۱۳۶۶)، شواهد الربوبیه، ترجمه جواد مصلح، تهران: انتشارات صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، اول.
۵. _____، (۱۳۸۱)، مبدأ و معاد، ترجمه احمد بن محمد الحسینی اردکانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، دوم.
۶. _____، (۱۳۶۶)، شرح اصول کافی، ترجمه محمد خواجوی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، اول، ج ۱.
۷. _____، (۱۳۸۹)، ریحق مختوم (شرح حکمت متعالیه)، شرح عبدالله جوادی آملی، قم: مرکز نشر اسراء، چهارم، ۹ جلدی، ج ۸.
۸. _____، (۱۳۸۱)، شرح بر زاد المسافر، شرح جلال الدین آشتیانی، قم: بوستان کتاب، سوم.
۹. طباطبائی، محمد حسین (۱۳۹۸)، سفرنامه سلوک (ترجمه رساله الاولایه)، ترجمه علی طباطبائی، قم: مطبوعات دینی، سوم.
۱۰. طوسی، خلیل الرحمن (۱۳۹۲)، درآمدی بر فلسفه‌ی سیاسی صدر المتألهین، قم: بوستان کتاب، اول.
۱۱. فارس بن زکریا، احمد (۱۳۷۴)، معجم المقاییس اللغه، ترجمه محمد هارون عبدالسلام، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، اول، ج ۲.
۱۲. کلینی رازی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۷)، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، شرح محمد باقر مجلسی تهران: اسوه، دهم، ج ۱ و ۵.
۱۳. _____، (۱۳۵۰)، الروضه من الکافی، ترجمه هاشم رسولی محلاتی، شمیران: انتشارات علمیه اسلامی، اول، ج ۱ و ۲.
۱۴. مطهری، مرتضی (۱۳۸۸)، مقالات فلسفی، قم: صدرا، دوازدهم.